اسناد اشتباه به ابن جزری در کتاب التمهید

من این دو-سه روزی که مشغول بودم -مطالبی که طلبگی است را می‌گویم- من عبارت کتاب التمهید را زیاد خدمت شما گفته بودم که مبتنی بر جستجوهای نرم افزاری بود. در این جستجو ها گاهی به‌دنبال مطلبی می‌گردیم و به عباراتی می‌رسیم و می‌گوییم ایشان در التمهید به این صورت گفته‌اند. در مباحثه هم چندبار این عبارت را نقل کرده بودم. اما تا حالا نشده بود که من پنجاه صفحه کتاب را بخوانم و ببینم ایشان چطور وارد می‌شوند و چطور خارج می‌شوند. این دو-سه روز فرصت شد که کتاب را دیدم. اتفاقا هفته قبل بود که گفتم زرقانی می‌گوید «لمّا اتسع افق اطلاعی»، دیدم ایشان در التمهید یک عبارت تندی برای زرقانی دارند.

> و للاستاذ «الزرقانی»- هنا- اضطراب فی الاختیار بینما یختار اولا مذهب ابی شامة الانف، اذا هو یرجع عنه زاعما اتساع افق اطلاعه اخیرا.لکن فی کلامه اولا تحقیق، بینما رجوعه لا یعدو رجوعا عن تحقیق الی تقلید فی تحمس عاطفی فارغ[1]

من این عبارت را بعد از اینکه خدمت شما گفتم دیدم.

«و للاستاذ الزرقانی هنا اضطراب فی الاختیار»؛ می‌گویند زرقانی رفت و برگشت، در چاپ اول کتاب یک چیز گفت و بعد برگشت!**«بینما یختار اولا مذهب ابی شامة الانف، اذا هو یرجع عنه زاعما اتساع افق اطلاعه اخیرا. لکن فی کلامه اولا تحقیق، بینما رجوعه لا یعدو رجوعا عن تحقیق الی تقلید فی تحمس عاطفی فارغ»**؛ ایشان اصلاً یک عنوان دارند: تحمسات عاطفیه فارغه. حالا نمی‌دانم در ترجمه اش چه عرض کنم. نمی‌دانم معادل فارسی آن آمده و ترجمه شده ای نه. یعنی یک تعصبات پوچ؛ تحمس به سختگیری های بی خودی می‌گویند. تحمسات عاطفیه؛ روی حساب عواطف. فارغه هم به معنای تو خالی است.

در صفحه ۵۷ می‌گویند:

> أما مذهب ابن الجزری فی کتابه «منجد المقرئین» الذی اعجب الاستاذ الزرقانی، فقد عدل عنه فی سائر کتبه التحقیقیة، علی عکس الاستاذ، فکان مذهبه فی المنجد مسیطرا علیه جانب العاطفیة اکثر من جانب تحقیق الواقع، لکن الحقیقة جذبته أخیرا الی اختیار ما وه الحق، و یقتضیه التحقیق النزیه، قال: «و لقد کنت- قبل- اجنح الی هذا القول (ای القول بتواتر السبع) ثم ظهر فساده و موافقة ائمة السلف و الخلف» و قد تقدم نقل کلامه بطوله[2]

«أما مذهب ابن الجزری فی کتابه منجد المقرئین الذی اعجب الاستاذ الزرقانی»؛ می‌گوید استاد زرقانی بعد از عدولش می‌گوید من کلمات ابن جزری را می‌آورم. ایشان می‌گویند خود صاحب منجد المقرئین که شما در وقت عدولتان کلمات آن کتابش را می‌آوردید، در آخر عمرش در النشر از آن برگشته است. شما می‌خواهید برای عدول خودت از چه چیزی می خواهید شاهد بیاورید؟! و حال اینکه ابن جزری در النشر از آن برگشته است.

«أما مذهب ابن الجزری فی کتابه منجد المقرئین»؛ که در ابوشامه کرده بود،**«الذی اعجب الاستاذ الزرقانی»؛** که ایشان از آن خوششان آمده و در کتابش آورده، **«فقد عدل عنه فی سائر کتبه التحقیقیة، علی عکس الاستاذ»؛** یعنی زرقانی.**«فکان مذهبه فی المنجد مسیطرا علیه جانب العاطفیة»؛** اینکه در المنجد می‌گوید در جانب سبع تواتر هست، جانب عاطفیه است.

«اکثر من جانب تحقیق الواقع، لکن الحقیقة جذبته أخیرا الی اختیار ما وه الحق و یقتضیه التحقیق النزیه، قال»؛ ابن جزری در النشر می‌گوید؛**«و لقد کنت- قبل- اجنح الی هذا القول (ای القول بتواتر السبع)»؛** این پرانتز برای التمه‌ید است. می‌گوید ابن جزری می‌گوید **«و لقد کنت- قبل- اجنح الی هذا القول (ای القول بتواتر السبع) ثم ظهر فساده و موافقة ائمة السلف و الخلف و قد تقدم نقل کلامه بطوله»**. بعد هم می‌گویند همین تقلید باعث شده که این حرف را بزنند.

اصلاً این پرانتزی که ایشان گفته‌اند صد و هشتاد درجه خلاف منظور ابن جزری است. من داشتم به آن فکر می‌کردم گفتم خب یکی استادی در حوزه خلأیی احساس کرده‌اند و خود جوش کار کرده‌اند و زحماتشان آمده؛ من قاطع هستم که پشتوانه کلام با صلابت ایشان، دو استادشان مرحوم آقای خوئی و مرحوم آقای بلاغی هستند. می‌گویند این دو استاد من اینها را فرموده‌اند و حرف اینها درست است. بعد هم با پشتوانه روایات حرف واحد اینها را سر و سامان می‌دهند. این پشتوانه را داشتند و محکم گفته‌اند. و لذا یکی استادی زحمت کشیده و کتابی آورده؛ خلاصه شش جلد را به نام علوم قرآنی آورده‌اند. در نرم‌افزار مشکات هست. خودشان هم فرموده‌اند که در شورای حوزه کتاب من را بررسی کردند، این خلاصه اش است و فارسی آن را هم آورده‌اند. علی ای حال زحمت کشیده‌اند. اگر هم ایرادی هست به من ِطلبه است. خب وقتی یک استاد فرمایشی فرموده و زحمتی کشیده مستمعین ایشان و کسانی که این کتاب به دستشان می‌آید آیا نباید مراجعه کنند؟! نباید تطبیق بدهند؟! نباید ببینند که زرقانی و ابن جزری چه گفته‌اند؟! این همه سال بگذرد؟! در همان فرهنگ علوم قرآنی –برایم خیلی جالب بود- ایشان حرفهای استادی را در می‌کنند و بعد می‌گویند مختار ما چیست. وقتی مختار خودشان را می‌گویند می‌گویند نگویید قرائت حفص. قرائت حفص همان قرائت متواتر واحد از روز اول تا حال است.

اینجا جالب این است که در پاورقی نوشته اند که اخیراً یک مصحفی به روایت ورش از قالون –بعید است این پاورقی از ایشان باشد- در لیبی چاپ شده که موجب اعتراض بعضی از کشورهای اسلامی شده است. این برای سال ۷۸ است.

حال با این چیزهایی که من خدمت شما گفتم؛ این مطالب که در لیبی چاپ شود و اعتراض شود؛ معلوم می شود که این اطلاعاتی که امروزه بعضی می‌گویند، در زمان آنها نبوده. الآن ما برای ما دو تا چهارتا است که فقط لیبی نیست بلکه تمام غرب آفریقا است. مهمترین کشوری که در مجلسش قانون برده‌اند، الجزائر است. در آن هم برعکس فرمایش ایشان است. بعضی از این سلفی ها از مصر می‌خواستند مصحف ورش را بردارند؛ آوردن مصحف حفص مورد اعتراض قرار گرفت. همچنین ورش از قالون صحیح نیست، قالون و ورش هر دو راوی از ناقع هستند. می‌گوید روایت ورش از قالون! عباراتی است که اصلاً تمام نیست. به نظرم دیگری اینها را اضافه کرده باشد. بعداً هم اعتراض کردند. کجا اعتراض کردند؟! بعداً هم که رفتند و آمدند خود سعودی و عثمان طهای که حفص از

عاصم ار نوشته - عثمان طه به بودجه خود سعودی که یک سایت مفصلی دارند که تمام مصاحف دارند- رفته وایت ورش –که رائج در الجزائر است- ار نوشته و الآن موجود است.

در الجزائر قانونی تصویب کردند که ورود مصحف حفص به مملکت ام ممنوع است. اینها ار قبلا عرض کرده‌ام. خب ببینید حدود بیست و چند سال است که در کتابی می آید که قرائت واحد که برای حفص بوده! و در پاورقی آن می آید که اخیرا یک قرائت هم آمده که اعتراض کردند! یعنی با واقعیت میدانی غرب آفریقا ۱۸۰ درجه اختلاف دارد. آن جا درست بر عکس است. قرائت ورش است که حاکم است. آن است که نمی‌گذارند غیرش بیاید.

واقعش که به این استاد بر نمی گردد. ایشان که یک استاد هستند و زحمت کشیده‌اند. بر می‌گردد به من طلبه که ام اینها را یک ذره تحقیق نکنیم و پی آنها را نگیریم و زحمت یک استادی را ادامه ندهیم. وقتی یک استاد زحمت می‌کشد ام حرف او را همینطور تکرار کنیم؟! اینکه نشد. ام باید حرف او را بورمیم و بر گردیم و ببینیم و تطبیق کنیم. حالا الآن من در اینجا برخورد کرده‌ام. ایشان می‌گویند زرقانی از تحقیق به تقلید برگشته است. تعبیرات تندتری هم دارند. و حال اینکه ابن جزری عدول نکرده!

---

[1]التمهید فی علوم القرآن ج۲ ص۵۵

[2]همان۵۷

بازبینی #3
ایجاد شده 19 مارس 2024 08:53:54 توسط ... .
به روزرسانی شده 11 مه 2024 12:35:28 توسط ... .